



جواد حیدریان

روزنامه نگار و فعال محیط زیست

فکر توسعه پایدار

تخریب سرزمین یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی فعالان و متخصصان محیط‌زیست و منابع طبیعی در سراسر جهان است. کاهش کارایی سرزمین می‌تواند منجر به افت کیفیت زیست‌پذیری و در نهایت افت شاخص‌های اقتصادی در آن سرزمین شود. از بین رفتن منابع جنگلی، آب و خاک به خودی خود می‌تواند تمامی ظرفیت توسعه در کشورها را تحت تأثیر قرار دهد. عمده کشورهای جهان که به مساله توسعه پایدار می‌پردازند، شیوه مدیریت سرزمین را در اولویت دارند. کاهش منابع آب زیرزمینی و تخریب منابع جنگلی در کشور سبب شده نگرانی‌ها درباره روند مدیریت سرزمین در ایران شدت گیرد. با این حال، آیا سیاستگذاری مدیریت سرزمین در ایران به سمت رفع نگرانی از بحران‌هایی با منشأ طبیعت پیش رفته است؟

شوربخانه پاسخ منفی است؛ بعد از حادثه زاگرس بسیاری از دل‌باختگان طبیعت ایران، نگران طبیعت شمال کشور نیز هستند. در گام نخست باید به فقدان برنامه توسعه پایدار در ایران اشاره کرد. ارزیابی نشدن روند پروژه‌های توسعه‌ای در ایران چالش بزرگی است که اقتصاد کشور را در آینده نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. از سوی دیگر فقدان نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده یکی از بزرگترین چالش‌های کشورهایی مانند کشور ما است، ایرانی که در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان واقع است و از نظر پوشش جنگلی از فقیرترین کشورهای جهان به حساب می‌آید. با این حال، سرزمین خشک و کم‌آب ایران باید پیش از هر کشوری به منابع آبی خود وسواس داشته باشد.

اما بی تردید چنین نگرشی را نمی‌توان نه در ساختارهای حقوقی و قانونگذاری کشور دید و نه در نگرش‌های اجرایی و مدیریتی! آتش‌سوزی زاگرس نشان داد نه تنها چنین مدیریت بیکار چهای بر منابع حیاتی ایران حاکم نیست، بلکه حتی سرمایه‌های انسانی و نیروهای داوطلب نیز آنچنان که باید حراست نمی‌شوند و یسایم رها کردن آنها و عدم رسیدگی به مشکلات آنها

وجود دارد. البرز زارعی جوان ۳۷ ساله ای است که داوطلبانه به کمک نیروهای منابع طبیعی و محیط‌زیست در خاموش کردن آتش کوه‌های زاگرس در گچساران آمد اما به شدت آسیب‌دیده است. نحوه مدیریت و مواجهه نهادهای او و پرنوده پزشکی اش این چالش را تقویت می‌کند آیا در سرزمینی که نهادهای مسئولیت‌های ساختاری خود را به درستی انجام نمی‌دهند و اصطلاح‌های بین‌بخشی هزینه سنگینی به پیکره زیست‌پذیری ایران وارد می‌کنند، نیروهای داوطلب اولویتی ندارند؟ آیا نیروهای مردمی نباید نگران سلامت و امنیت خود باشند؟ در هر صورت ایجاد یک سامانه بیمه‌ای و حمایتگر از نیروهای داوطلب در خدمت طبیعت ایران یک ضرورت انکارناپذیر است؛ چراکه هیچ کس و هیچ نیرو و ساختاری قوی‌تر از مردم و بخصوص آنها که معیشت‌شان به منابع طبیعی و محیط‌زیست ایران گره خورده نمی‌توانند در مواقع بحران به کمک بیایند و سرزمینی که نیروی انسانی متعهد و ایثارگر نداشته باشد، نمی‌تواند به ژئینای سرزمینش امیدوار باشد.

[عکس: علی احمدی]



فگاه قائمیان

روزنامه‌نگار

همراهان البرز بعد از تلاش بسیار به باری‌اش شتافته‌او را بلافاصله به اورژانس گچساران و سپس به بیمارستان شهید بهشتی یاسوج انتقال می‌دهند. در بیمارستان مشخص می‌شود که البرز دچار ۶۰ درصد سوختگی از نوع درجه ۳ در ناحیه پاها و دیگر نقاط بدنش شده است

آتش به جان جنگل‌های دبل، روستایی در نزدیکی کوه‌های خامی در گچساران که افتاد دل اهالی روستاهای اطراف جنگل و دوستداران طبیعت گچساران و زاگرس لرزید. البرز زارعی، جوان ۳۷ ساله کوهنورد گچسارانی به همراه دیگر دوستانش از همان ابتدا داوطلبانه راهی مناطق آتش‌سوزی شدند تا شاید بتوانند کمکی به اطفاء حریق کنند که به جان جنگل‌های زادگاه‌شان افتاده بود. اما روح آتش بی رحم و غیرقابل پیش‌بینی بود و این جوان‌های داوطلب توان مهار آن



را با دست خالی و بدون تجهیزات لازم نداشتند. در امتداد یک شیب تند، که صخره‌های بلندی در بالای آن بود، آتش از هر سو زبانه می‌کشید و مثل هیولایی به جان درختان و جانوران جنگل بلوط افتاده بود. البرز به همراه سه تن از دوستانش در محاصره آتش قرار گرفت. دوستان البرز موفق شدند به بالای صخره‌ای فرار کنند اما بخت با البرز یار نبود و او در هنگام فرار از آتش، از بلندای صخره پرت می‌شود و در میان دیوارهای سخت، در محاصره آتش می‌ماند. او میان علفزارهای در حال سوختن، مانند کبک‌های روی لانه، مثل گونه‌هایی بی‌پناه دیگر در دام آتش افتاد. البرز از پا و ران‌هایش دارد می‌سوزد. ۲۰ دقیقه زمان لازم بود تا او مثل ققنوس‌ی بسوزد. همراهان البرز بعد از تلاش بسیار به یاری‌اش شتافته و او را بلافاصله به اورژانس گچساران و سپس به بیمارستان شهید بهشتی یاسوج انتقال می‌دهند. در بیمارستان مشخص می‌شود که البرز دچار ۶۰ درصد سوختگی از نوع درجه ۳ در ناحیه پاها و دیگر نقاط بدنش شده است. میزان سوختگی به اندازه‌ای بود که بافت

چربی، ماهیچه‌ها و حتی استخوان‌هایش در گیر سوختگی شده بود. بنابراین تصمیم مقامات مسئول بر این می‌شود که او باید به بیمارستان مجهزتری در اصفهان فرستاده شود. ابتدا بحث‌هایی درباره هزینه‌های او در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مطرح شد. اما بعد مقامات همه هزینه‌ها را تقبل کردند. باید دید آینده البرز چه خواهد شد. البرز، عاشق بی‌چشمداشت طبیعت است. در همان وضعیت سوختگی و روی تخت بیمارستان هنوز نگران آتشی بود که به جان کوه و جنگل و حیوانات افتاده بود. او در حالی که نای حرف زدن ندارد، در گفت‌وگویی با یک مستندساز که داشت از او فیلم می‌گرفت، می‌گوید: من همیشه از مارها می‌ترسیدم. اما موقعی که گرفتار آتش بودم، مظلومیت مارها را به چشم دیدم و احساس کردم چقدر این حیوانات بی‌پناه هستند؛ مظلومیت حیواناتی که لانه‌شان آتش گرفته بود و بی‌پناه و سرگردان شده بودند. چطور کسانی که به عمد و برای دشمنی‌های شخصی جنگل را آتش می‌زنند به این موضوع فکر نمی‌کنند

که چه خسارت جبران‌ناپذیری به منابع طبیعی و حیات وحش وارد می‌شود؟ او با تنی سوخته و جانی درآلود و بر تخت بیمارستان در پاسخ به سوال خبرنگاری که از او پرسید اگر لازم باشد باز هم حاضری برای نجات طبیعت و مهار آتش به جنگ خاموش کردن آن بروی؟ می‌گوید: بدون شک حاضرم باز هم بروم. مگر چه چیزی ارزشمندتر از منابع طبیعی و خاک و جنگل است. همه هستی و وجود ما از همین منابع طبیعی است. پس اگر لازم باشد باز هم برای نجات طبیعت حاضرم به دل آتش بزنم. البرز تنها قربانی آتش‌سوزی این روزهای جنگل‌های زاگرس نبود. به گفته وحید محمدی تبار، مدیر کل مدیریت بحران استان کهگیلویه و بویراحمد برخی دیگر از نیروهای داوطلب و کمک‌کننده به مهار آتش در جنگل‌ها و مراتع این استان نیز دچار سوانح سوختگی شده‌اند؛ سه نفر در آتش‌سوزی خائیز کهگیلویه، چهار نفر در آتش‌سوزی خنگه بنار و دو تن دیگر از داوطلبان نیز در آتش‌سوزی جنگل‌های دبل گچساران دچار مصدومیت شده‌اند. مدیر کل مدیریت بحران استان کهگیلویه

و بویراحمد همچنین عنوان کرد عمده آسیب‌های جانی وارد شده به این داوطلبان، شامل در رفتن پا و کتف و سوختگی‌های عمیق در بدن‌شان بوده است. این نیروهای داوطلب در مراحل ابتدایی شروع آتش‌سوزی با دست خالی و بدون داشتن تجهیزات لازم به مهار آتش جنگل‌ها می‌روند. بعد بالگردهای ارتش و سپاه و همچنین شرکت نفت و گاز گچساران و هلال احمر و ۷۰۰ سورتی پرواز جهت هلی‌برد و انتقال نیروها و آب‌پاشی برای مهار آتش‌سوزی جنگل‌های خامی، خائیز و دبل به کمک می‌آیند و تا حد گسترده‌ای آتش مهار می‌شود. با این حال خطر آتش‌سوزی و دوباره جان گرفتن شعله‌های آتش همچنان از سر جنگل‌های زاگرس دور نشده است. به دلیل بارندگی‌های اخیر رشد علفزارها در این مناطق کوهستانی بیش از سال‌های گذشته بوده و حالا با گرم شدن هوا، این علفزارها به مانند انبار باروتی می‌مانند که با هر بی‌مبالاتی‌ای ممکن است دوباره به آتش کشیده شوند. شاید گاه یک ته سیگار نیمه‌روشن رها شده در طبیعت، یا بی‌ملاحظگی گردشگری که برای لذت به طبیعت رفته و یافلز و شیشه‌ای که از گذشته در دامن طبیعت رها شده و با انعکاس نور خورشید زبانه‌های آتش را دوباره شعله‌ور کنند. اما آنچه غم‌انگیزتر از هر چیزی است تعمدی است که منجر به تخریب طبیعت و جنگل‌ها می‌شود و اکنون در منطقه خائیز نمونه آشکار آن و خسارت و بحرانش را می‌توان دید، خسارتی که حتی منجر به مرگ یک نفر و مصدومیت و سوختگی ۱۰ نفر از جمله سوختگی شدید البرز زارعی شده است. البرز بعد از انجام مداوای اولیه در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج با کمک هزینه‌های درمانی که از سوی سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی و با پیگیری‌های رسانه‌ها از استاندار و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، به او و خانواده‌اش شده اکنون به بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان منتقل شده است. برادر البرز در بیمارستان اصفهان می‌گوید حال او چندان مناسب نیست و نیازمند مراقبت‌های بسیار است. وضعیت قطعی سلامتی او تا دو هفته آینده نیز روشن نیست. با این حال و بنا به گزارش‌های منابع خبری و همچنین پیگیری‌های صورت گرفته از سوی کنشگران اجتماعی و محیط‌زیست، بیمه‌نامه مشخصی برای مصدومان داوطلب در آتش‌سوزی‌های اخیر جنگل‌های زاگرس مشخص و تدوین شده تا تمامی هزینه‌های درمانی این ایثارگران طبیعت، از سوی نهادهای دولتی پرداخت تا آنها بعد از عملیات کمک‌رسانی به حال خود رها شوند.

نگاهی به زوال سرزمین به بهانه روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی

بیابان در بیابان

آن هیچ جنبنده‌ای وجود ندارد. آن هم نوعی فرایند بیابانزایی است که رخ داده و باعث کاهش تاب‌آوری سرزمین شده است. ما هنوز مفهوم بیابانزایی را درک نکرده‌ایم و فکر می‌کنیم با ایجاد سازه‌ها و فعالیت‌های ضربتی و کارهای جهادی برای کاشت درخت می‌توانیم بیابانزایی را مهار کنیم. این نگرش فقط مختص ایران نیست. اخیراً در اجلاس دانوس، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در سخنرانی‌اش گفت من قصد دارم ۳ میلیارد اصله درخت بکارم و وظیفه خودم در قبال محیط‌زیست را انجام دهم. این اصلاً معنا ندارد. جایی که استعداد درخت ندارد وقتی درخت بکارید یعنی دارید بیابانزایی را تشدید می‌کنید.

ما دو نوع بیابان طبیعی و بیابان‌های

انسان ساخت داریم. آن بیابان انسان ساخت است که خطرناک است. چه مولفه‌هایی باعث می‌شود که بیابان‌های انسان ساخت به وجود بیاید. در واقع فشار بیش از حد به سرزمین می‌تواند منجر به تولید بیابان غیرطبیعی شود. اینکه ما فعالیت‌ها و بارگذاری‌هایی را تعریف کنیم که خارج از توان برد یا وضعیت زیستی یک منطقه باشد. اینکه بیابان از سمت جنوب به سمت تهران حرکت می‌کند و تمامی تالاب‌های جنوب تهران از ممدلی‌خان تا عشق‌آباد و حوض سلطان در قبال محیط‌زیست را انجام می‌شوند و دار سونامی نمک‌زار ایجاد می‌کند به خاطر فشار بیش از حدی است که ما روی مخروط افکنه ۷۵۰ کیلومتری جنوب البرز به نام تهران ایجاد کردیم. جایی که می‌توانست حداکثر ۲ و نیم میلیون انسان

را سرویس دهد اکنون بیش از ۱۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. ●●● اکوسیستم از یک بالانس به وجود می‌آید. یعنی در واقع باید یک تعادل بین اکوسیستم‌های جنگلی، مرتعی، کوهستانی، تالابی و بیابانی وجود داشته باشد تا طبیعت تاب‌آوری داشته باشد. اکنون پژوهش‌هایی انجام شده که می‌گوید برای اینکه قطره باران شکل گیرد ما نیاز به یک هسته‌ای داریم که بخش عمده‌ای از این هسته ذرات ریزی هستند که در دل بیابان‌ها وجود دارند. همان ریزگردها یا گردوغبارهای خیلی ریز که در بیابان شکل می‌گیرند. این پژوهش می‌گوید اگر ما بیابان نداشتیم یا بیابان‌ها از بین بروند دیگر چیزی به نام باران نداریم و ابرها بارور

نخواهند شد. پس این یعنی اینکه باید مجموعه‌ای از اکوسیستم‌ها در سرزمین باشند. اما آنچه‌که خطرناک است زدودن اکوسیستم‌ها است. بیابانزایی همانقدر خطرناک است که جنگل‌زدایی و تالاب‌زدایی خطرناک است. هر اکوسیستمی در جای خودش بهترین پاسخ به نیازهای زیست‌بوم است. پس ما باید کاری کنیم که رویشگاه‌های زاگرس را حفظ کنیم؛ چراکه زاگرس تولیدکننده ۴۵ درصد آب شیرین کشور و ضامن تداوم کارون، مارون، کرخه، دز، جراحی، زهره، زاینده‌رود، کنشکان، سیروان، زاب و... است. باید این رویشگاه حفظ شود و در عین حال بیابان‌ها نیز باید حفظ شوند؛ چراکه یکی از بهترین پاسخ‌هایی است برای شرایطی که تبخیر خیلی زیاد و بارندگی خیلی کم است.